

بررسی رابطه بین انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر دوره‌ی راهنمایی با

ویژگی‌های اجتماعی و آموزشی آنان در شهر اصفهان

احمد مختاری - دکتر فاطمه بهرامی

کلید واژه‌ها:

انگیزش پیشرفت تحصیلی، ویژگی‌های اجتماعی، ویژگی‌های آموزشی، طبقه اجتماعی، جو کلاس، دیگری مهم، سبک رهبری، ارزش‌ها

مقدمه:

یکی از عوامل مهم برای پیش‌بینی و تبیین رفتار انسان‌ها پی‌بردن به انگیزش‌های آن‌هاست. اگر ما انگیزه‌ها را از نمونه‌ی رفتار افراد استنباط کنیم و اگر استنباط‌های ما درست باشد، ابزار نیرومندی برای تبیین رفتار افراد در دست خواهیم داشت. علاقه به مطالعه‌ی انگیزش پیشرفت، ابتدا در آزمایشگاه‌های روان‌شناسی آغاز گردید و سپس به سازمان‌ها و موقعیت‌های دیگر گسترش یافت. (موسوی، بی‌تا، ص ۱۸ و ۷۱)

ممکن است چنین تصور شود که انگیزش پیشرفت تحصیلی یک امر فردی است و هر دانش‌آموز با توجه به شخصیت خود و تمایلات و خصوصیاتش دارای برخی انگیزه‌ها می‌باشد، در حالی که واقعیت این است که انگیزه‌های تحصیلی تنها یک امر فردی نیست که صرفاً از بعد روان‌شناختی قابل مطالعه باشد، بلکه این پدیده دارای بعد اجتماعی نیز هست. (فخرایی، ۱۳۷۶، ص ۴۰) در این مقاله به ارتباط بین انگیزش پیشرفت تحصیلی و ویژگی‌های اجتماعی و آموزشی توجه می‌شود.

بیان مسأله: سازه‌ی انگیزش پیشرفت تحصیلی در مدرسه به رفتارهایی که به یادگیری و پیشرفت مربوط است اطلاق می‌شود و عبارت است از گرایش همه جانبه به ارزیابی عملکرد خود با توجه به عالی‌ترین معیارها. تلاش برای موفقیت در عملکرد و برخورداری از لذتی که با موفقیت در عملکرد همراه است (عابدی ۸۰). مسأله‌ی اساسی در این تحقیق بررسی ارتباط بین انگیزش پیشرفت تحصیلی با ویژگی‌های اجتماعی و آموزشی است. در مورد تأثیر ویژگی‌های اجتماعی و عوامل آموزشی بر انگیزش پیشرفت تحصیلی مبانی نظری و تحقیقاتی وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

چکیده:

در این مقاله از میان عوامل آموزشی سبک رهبری مدیر و از عوامل اجتماعی طبقه اجتماعی و ارزش‌ها و دیگری مهم دانش‌آموزان انتخاب و رابطه‌ی آن با انگیزش پیشرفت تحصیلی بررسی شد.

این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. حجم نمونه ۲۴۶ نفر از دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی و ۳۰ نفر از مدیران آنان بوده است.

روش نمونه‌گیری، طبقه‌ای متناسب با حجم بوده است. نتایج نشان می‌دهد که بین سبک رهبری مدیر و انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه‌گرا بیشتر است.

بین جو کلاس و انگیزش پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد. بین نمره‌ی ارزش‌های دانش‌آموزان در چهار بعد مالی، حرفه‌ای، خانوادگی و علمی با انگیزش پیشرفت تحصیلی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. با افزایش نمره‌ی طبقه اجتماعی، انگیزش پیشرفت تحصیلی افزایش یافته است. بین دیگری مهم دانش‌آموزان و انگیزش پیشرفت تحصیلی رابطه‌ی معنی‌داری به دست نیامد.

الف) مبانی نظری مسأله: برخی جامعه‌شناسان معتقدند اگر توزیع منزلت بسیار نابرابر باشد و فاصله‌ی بین اقشار و طبقات زیاد باشد، افراد در طبقات پایین تصویری منفی از خود پیدا می‌کنند، قدرگرا می‌شوند و احساس حقارت برای اکثریت اعضا جامعه افزایش می‌یابد. عزت نفس پایین و خودپنداره‌ی منفی در افراد ایجاد می‌شود و این امر در نحوه‌ی تخصیص انرژی فرد در تصمیم‌گیری برای فعالیت‌های هدفمند اثر سوء دارد. یعنی مطابق دیدگاه تعامل‌گرایی نمادی، احتمال کمی وجود دارد که چنین فردی انرژی خود را با طراحی قبلی و به‌صورتی روشمند صرف کارهای سازنده و هدفمند نماید. چنین فردی بیشتر منفعل است (چلبی، ۱۳۷۵، ص ۲۱۳). به‌طور خلاصه طبقه‌ی اجتماعی افراد به‌عنوان یک ویژگی اجتماعی به‌شکل زیر بر انگیزش پیشرفت تأثیر می‌گذارد:

→ کاهش حرمت و کرامت انسان → فاصله زیاد طبقات
→ قدرگرایی → خودپنداره‌ی منفی

کاهش انگیزش پیشرفت → تحریک در اثر محرک‌های آنی یکی دیگر از ویژگی‌های اجتماعی مورد بررسی در این تحقیق ارزش‌های افراد است. در ارزش‌شناسی (*axiology*) معمولاً ارزش‌ها به دو مقوله تقسیم می‌شوند. ارزش‌های ابزاری و ارزش‌های نمایی. ارزش‌هایی که در حوزه اجتماعی و فرهنگی جامعه وجود دارند، بیشتر در مقابل تغییرات مقاومت می‌کنند و مصرف آن‌ها در روابط اجتماعی باعث افزایش و تکثیر آن‌ها در جامعه می‌شود. مثل علم‌آموزی، دوستی، اعتماد، صداقت. در مقابل ارزش‌هایی که در حوزه اقتصادی و سیاسی وجود دارند، بیشتر ابزاری هستند و مصرف آن‌ها در روابط اجتماعی باعث تنزل و کاهش آن‌ها در جامعه می‌شود. مثل زر و زور. ارزش‌ها بر سوگیری کنشگر تأثیر می‌گذارند. یعنی کنشگر (در این‌جا دانش‌آموز) در ارتباط با هر امر فیزیکی یا غیرفیزیکی (مانند انگیزش پیشرفت تحصیلی) به‌ارزشیابی می‌پردازد و این ارزشیابی در سوگیری ارزشی وی متجلی می‌گردد (چلبی، ۱۳۷۵، ص ۶۱). از جمله عوامل دیگری که بر سوگیری کنشگر تأثیر می‌گذارد و با ارزش‌ها نیز مرتبط است، دیگری مهم فرد می‌باشد. اشخاصی که بر رفتارها و رویکردهای افراد دیگر بسیار نفوذ دارند، دیگران مهم (*Significant Others*) نامیده می‌شوند. بیشتر آدم‌ها

می‌کوشند تا دیگران مهم را خشنود سازند و به‌رهنمایی‌ها گوش فرا دهند (کونن، ۱۳۷۶، ص ۷۸).

یکی از عوامل آموزشی که بر انگیزش پیشرفت می‌تواند تأثیر داشته باشد، جو کلاس است. که شامل دو متغیر کلی، ادراک (برداشتی که افراد از واقعیت‌های موجود در کلاس دارند) و انتظار (تمایلات و خواسته‌هایی که افراد از جو کلاس دارند) می‌باشد. جوی برای کلاس مناسب‌تر است که تفاوت ادراک و انتظار زیاد نباشد (انصاری، به‌نقل از کومورگویل ۱۹۸۵).

وقتی معلم کلاس از شیوه‌ی آموخته استفاده می‌کند، دانش‌آموز نسبت به یادگیری و انجام دستورات معلم نوعی مقاومت درونی نشان می‌دهد. در این موقعیت دانش‌آموز نه تنها از معلم بلکه از درس و رشته تحصیلی متنفر می‌شود. به‌نظر اسپالدینگ اولین هدف معلم باید برقرار کردن رابطه‌ای مطلوب و حمایت‌کننده باشد. وی سپس نکاتی را برای ایجاد جو مطلوب در کلاس ارائه می‌دهد که موجب افزایش انگیزش در کلاس می‌شود (اسپالدینگ، ۱۳۷۷، ص ۷۳-۶۰).

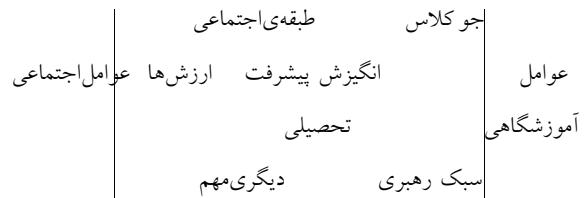
ب - مبانی پژوهش مسأله: مطالعه سانایان روی ۹۶۹ نوجوان دختر و پسر هندی نشان می‌دهد که نوجوانان طبقات پایین در مقایسه با نوجوانان طبقات متوسط و بالا دیدگاه منفی‌گر ایانه‌تری نسبت به علم دارند. (فرهنگ عمومی، بهار و تابستان ۷۶).

هم‌چنین تحقیق دیگری در خرم‌آباد نشان می‌دهد که بین قشرهای اجتماعی بالا و متوسط و پایین از نظر سوگیری نسبت به ارزش‌های علمی و اقتصادی تفاوت وجود دارد (طلایی، ۶۷). مطالعه‌ی دیگری نشان می‌دهد که با افزایش قشر اجتماعی علاقه به تحصیل به‌طور معنی‌داری افزایش می‌یابد (ذوالفقاری ۷۱). هم‌چنین عامل آموزشی سبک رهبری مدیران نیز رابطه‌ی معنی‌داری با علاقه به تحصیل و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان داشته است (ابراهیمی، ۷۵).

انگیزش پیشرفت تحصیلی با باورهای دانش‌آموزان نیز رابطه‌ی معنی‌داری داشته است (مزروعی، ۷۶). پژوهش مربوط به علل کاهش انگیزه به تحصیل دانش‌آموزان دوره‌ی متوسط شهر اصفهان نشان دهنده‌ی تأثیر معنی‌دار عوامل اجتماعی و بر انگیزش پیشرفت تحصیلی می‌باشد (شاهسونی، ۷۹).

با توجه به مبانی نظری و پژوهش‌های انجام شده که در بالا

به آن اشاره شد از عوامل و ویژگی‌های اجتماعی در این تحقیق، طبقه اجتماعی و ارزش‌های افراد در چهار بعد علمی، خانوادگی، مالی و حرفه‌ای و دیگری مهم انتخاب شده است و از عوامل آموزشی نیز جو کلاس و سبک رهبری مدیر انتخاب و تأثیر آن بر انگیزش پیشرفت تحصیلی بررسی شده است که به‌طور خلاصه در مدل زیر ارائه شده است.



اهمیت و ضرورت پژوهش: انگیزه عامل فعال‌ساز و جهت‌دهنده به رفتار انسان است (سیف، ۷۱). بنابراین با شناخت عواملی که می‌تواند بر انگیزه تأثیر گذارد، تا حدی قادر خواهیم بود هم رفتار را پیش‌بینی و تبیین کنیم و هم با دخالت در عوامل تأثیرگذار، میزان انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را افزایش دهیم. سرمایه‌گذاری‌های کلان مادی و انسانی در آموزش و پرورش و فنی بیشتر مثمر خواهد بود که دانش‌آموزان انگیزش پیشرفت داشته باشند.

اهداف پژوهش:

هدف کلی: بررسی ارتباط بین انگیزش پیشرفت تحصیلی با ویژگی‌های اجتماعی و آموزشی دانش‌آموزان دوره‌ی رهنمایی.

اهداف جزئی:

۱ - بررسی ارتباط بین انگیزش پیشرفت تحصیلی با طبقه اجتماعی دانش‌آموزان دوره‌ی رهنمایی.
 ۲ - بررسی ارتباط بین انگیزش پیشرفت تحصیلی با ارزش‌های مورد قبول دانش‌آموزان دوره‌ی رهنمایی.

۳ - بررسی ارتباط بین انگیزش پیشرفت تحصیلی با جو کلاس دانش‌آموزان دوره‌ی رهنمایی.

۴ - بررسی ارتباط بین انگیزش پیشرفت تحصیلی با نوع دیگری مهم در زندگی دانش‌آموزان دوره‌ی رهنمایی.

۵ - بررسی ارتباط بین انگیزش پیشرفت تحصیلی با سبک

رهبری مدیران مدارس دوره‌ی رهنمایی.

۶ - تعیین سهم هر کدام از عوامل اجتماعی و آموزشی در انگیزش پیشرفت تحصیلی.
 فرضیه‌ها:

۱ - بین انگیزش پیشرفت تحصیلی با طبقه اجتماعی دانش‌آموزان دوره‌ی رهنمایی رابطه وجود دارد.

۲ - بین انگیزش پیشرفت تحصیلی با نمره‌ی ارزش‌های علمی دانش‌آموزان دوره‌ی رهنمایی رابطه وجود دارد.

۳ - بین انگیزش پیشرفت تحصیلی با نمره‌ی ارزش‌های خانوادگی دانش‌آموزان دوره‌ی رهنمایی رابطه وجود دارد.

۴ - بین انگیزش پیشرفت تحصیلی با نمره‌ی ارزش‌های مالی دانش‌آموزان دوره‌ی رهنمایی رابطه وجود دارد.

۵ - بین انگیزش پیشرفت تحصیلی با نمره‌ی ارزش‌های حرفه‌ای دانش‌آموزان دوره‌ی رهنمایی رابطه وجود دارد.

۶ - بین انگیزش پیشرفت تحصیلی با جو کلاس دانش‌آموزان دوره‌ی رهنمایی رابطه وجود دارد.

۷ - بین انگیزش پیشرفت تحصیلی با جنسیت رابطه وجود دارد.

۸ - بین انگیزش پیشرفت تحصیلی با نوع دیگری مهم دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

۹ - بین انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و سبک رهبری مدیران رابطه وجود دارد.

۱۰ - بین ترکیبی از عوامل اجتماعی و آموزشی و انگیزش پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد.

روش:

روش پژوهش، توصیفی یا غیر آزمایشی از نوع همبستگی است در این پژوهش محقق کترلی بر متغیرهای پیش‌بین ندارد. موضوع این تحقیق به‌گونه‌ای است که محقق نمی‌تواند روی متغیرهای پیش‌بین مانند طبقه اجتماعی یا جو کلاس کترلی داشته باشد یا آن‌ها را تغییر دهد. لذا تحقیق از نوع غیر آزمایشی است. از

طرف دیگر چون به دنبال کشف ارتباط بین انگیزش پیشرفت با ویژگی‌هایی مانند طبقه اجتماعی و ... هستیم، بنابراین تحقیق از نوع همبستگی می‌باشد.

جامعه‌ی آماری نمونه و روش‌های نمونه‌گیری:

جامعه آماری در این تحقیق، دانش‌آموزان پسر و دختر و مدیران دوره‌ی راهنمایی در شهر اصفهان می‌باشند. روش نمونه‌گیری طبقه‌ای است. «معمولاً از نمونه‌گیری طبقه‌ای در مواردی استفاده می‌شود که بخواهیم جامعه دانش‌آموزان یا سایر واحدهای مورد مطالعه از نظر صفت متغیر مورد مطالعه (مثلاً منشأ اقتصادی، اجتماعی) همگن‌تر کرده و سپس نمونه‌گیری کنیم.» (سرمد، بازرگان، حجازی، ۱۳۷۹، ص ۱۸۴). در این تحقیق هر ناحیه یک طبقه محسوب می‌شود. از هر ناحیه سه مدرسه‌ی راهنمایی دخترانه و سه مدرسه‌ی پسرانه به صورت تصادفی ساده انتخاب شد و نمونه از بین دانش‌آموزان این مدارس به شکل تصادفی ساده مشخص شد. حجم نمونه برابر ۲۴۶ نفر برآورد شد. تعداد نمونه در هر پایه تحصیلی ۸۰ نفر است (۴۰ پسر و ۴۰ دختر).

چون از هر ناحیه سه مدرسه‌ی راهنمایی پسرانه و سه مدرسه‌ی دخترانه انتخاب شده بنابراین ۳۰ مدیر نیز در نمونه قرار خواهند گرفت.

ابزارهای اندازه‌گیری:

انگیزش پیشرفت تحصیلی: آزمون انگیزش پیشرفت تحصیلی که شامل ۴۹ سؤال است و پاسخگویان باید نظر خود را روی یک طیف پنج قسمتی مشخص نمایند. پایایی آزمون از طریق فرمول آلفای کرانباخ برابر ۰/۷۲ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ شده است. جو کلاس:

این پرسشنامه را رابینز ۱۹۹۴ ساخته است اما در این پژوهش تغییراتی در آن ایجاد شد و تعداد سؤال‌ها به ۳۰ سؤال افزایش یافت. پاسخگویان باید نظر خود را نسبت به هر یک از سؤال‌ها روی یک طیف پنج قسمتی مشخص نمایند. پایایی از طریق فرمول آلفای کرانباخ برابر ۰/۸۵ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ شده است.

ارزش‌ها:

این ابزار به وسیله لوزیر ۱۹۹۳ ساخته شده است اما در این پژوهش تعداد سؤال‌های آن به ۵۵ سؤال افزایش یافته است. در این پرسشنامه باید پاسخگویان نظر خود را به هر یک از سؤال‌ها روی یک طیف پنج قسمتی مشخص نمایند. پرسشنامه ارزش‌ها شامل چهار بعد خانوادگی، علمی، مالی و حرفه‌ای است.

پایایی: آلفای کرانباخ ۰/۸۹ سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰

طبقه اجتماعی: این ابزار به وسیله طلایی ۱۳۷۲ و ذوالفقاری ۱۳۷۱ به کار رفته است و شامل اطلاعاتی درباره مسکن، تحصیلات والدین و دارا بودن وسیله نقلیه می‌باشد.

سبک رهبری: برای اندازه‌گیری سبک رهبری از دو ابزار استفاده شد.

۱ - پرسشنامه‌ای که شامل ۳۲ سؤال نگرش سنج بود و مدیر باید سبک رهبری خود را روی یک طیف پنج قسمتی مشخص کند. پایایی این ابزار برابر ۰/۵۲ شده است.

۲ - دومین ابزار مقیاس $LPC^{(۱)}$ یا همکار با کمترین امتیاز است. برای تعیین نمره همکار با کمترین امتیاز از مدیر خواسته می‌شود به تمام کسانی که تاکنون با آنان کار کرده است بیندیشد و آن کس را که با او بیشترین مشکل را در انجام کار داشته است توصیف کند. در این مقیاس ۱۸ صفت وجود دارد که هر کدام بر یک محور دو قطبی از یک تا هشت نمره‌بندی شده‌اند. نمره هشت یعنی مناسب‌ترین و نمره یک یعنی نامناسب‌ترین. نمره همکار با کمترین امتیاز، مجموع امتیازهای داده شده به ۱۸ صفت روی مقیاس است. شخص با LPC بالا که همکار با کمترین امتیاز خود را با نظری مساعدتر و سبکی متفاوت می‌نگرد، هدف اساسی‌اش داشتن ارتباط است. (خلیلی شورینی، ص ۱۴۰ به نقل از فیدلر ۱۹۷۴، ص ۷۴). یعنی او در پی ایجاد احساسات قوی و روابط مؤثر با دیگران است. در صورتی که این هدف اساسی حاصل شود، یعنی شخص احساس کند که به روابط مؤثر و دلخواه دست یافته،

1- Least preferred Coworker

آن‌گاه به‌عنوان هدف ثانویه، به‌دنبال انجام وظیفه خواهد بود. شخص با *LPC* پایین سلسله مراتب دیگری از هدف‌ها دارد. هدف اساسی او انجام وظیفه است. احترام به‌نفس او از موفقیت حاصل می‌شود. با وجود این تا آن‌جایی‌که انجام وظیفه مسأله ایجاد نکند، چرا روابط دوستانه‌ی با اعضای گروه نداشته باشیم؟ به‌بیان دیگر، مادام که رهبر با *LPC* پایین اطمینان دارد که در انجام وظیفه مشکلی وجود ندارد، می‌تواند دوستانه رفتار کند و به‌احساسات زیردستان توجه نماید. تا زمانی که انجام وظیفه در خطر است، روابط بین فردی خوب در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرد (خلیلی شورینی، ۱۳۷۳، ص ۱۴۰ به‌نقل از فیدلر ۱۹۷۴، ص ۷۷).

بنابراین کسی که نمره *LPC* اش بالا است روابط‌گرا و کسی که نمره *LPC* پایین دارد وظیفه‌گرا می‌باشد. با توجه به‌این آزمون سبک رهبری به‌وظیفه‌گرا، اجتماعی مستقل و رابطه‌گرا به‌شرح زیر تقسیم می‌شود.

نمره ۶۴ یا کمتر	نمره ۷۲ - ۶۵	نمره ۷۳ و بیشتر
<i>LPC</i> پایین	<i>LPC</i> متوسط	<i>LPC</i> بالا
سبک وظیفه‌گرا	سبک اجتماعی مستقل	سبک رابطه‌گرا

نمره *LPC* پایین نشان می‌دهد که مدیر بدترین همکار خود را طرد کرده است و همه‌ی ویژگی‌های او را منفی به‌حساب می‌آورد. به‌بیان دیگر انجام کار یا وظیفه‌ی اداری و رسیدن به‌هدف آن قدر برایش اهمیت دارد که در پرتو آن هرکس را که مانعی در این راه ایجاد کند، مظرود و بی‌ارزش می‌داند. اما انصاف باید داد که نداشتن مهارت کافی در کار یا غیر اثربخش بودن، لزوماً به‌معنای غیرقابل اعتماد بودن، صداقت نداشتن، ناجوانمردی، نامهربانی و خصوصیات از این دست نیست. از سوی دیگر مدیری که حتی در بدترین همکار خود پاره‌ای صفت‌های خوب و مثبت مشاهده و تأیید می‌کند، به‌طور کامل تحت تأثیر انجام کار قرار نگرفته است. به‌نظر او یک همکار می‌تواند در ارتباط با انجام کار اداری تنبل، غیر اثربخش و بدون مهارت باشد، لیکن دلپذیر، رفیقی شفیق، آرمیده و مهربان باشد.

افرادی که *LPC* متوسط دارند نسبت به‌کار و همکاران هر دو اهمیت کمتری قایل‌اند. تحت تأثیر کامل نظر دیگران نسبت به‌خودشان نیستند و فریفته هدف هم نشده و همه چیز را فدای آن نمی‌کنند. این افراد شخصیت‌های مستقل‌تری هستند و بیشتر از تجربه و دانش خود سود می‌برند و رضایت نفس‌شان بیشتر دورنی است تا بیرونی (خلیلی شورینی، ۱۳۷۳، ص ۱۴۳).

پایایی: آلفای کرونباخ ۰/۹۰ سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ دیگری مهم: این ابزار محقق ساخته است و شامل پرسشنامه و اجرای یک آزمون است که نشان می‌دهد چنانچه دانش‌آموز بخواهد از بین شخصیت‌های مختلف دست به‌انتخاب بزند کدام را انتخاب می‌کند.

نحوه اجرای آزمون: پرسشگر از دانش‌آموز می‌خواهد که تصور کنند در یک بالن در حال سقوط نشسته‌اند. در این بالن تنها یک نفر می‌تواند زنده بماند، هر نفر این فرصت را دارد که دیگران را متقاعد کند او را برای ماندن انتخاب کنند. برای متقاعد کردن دیگران فرد می‌تواند خود را به‌جای شخصیت‌های ورزشی، تاریخی، سیاسی و ... که فکر می‌کند مهم هستند، قرار دهد. سپس دانش‌آموز در پرسشنامه می‌نویسد که خود را به‌جای چه شخص مهمی قرار داده است.

یافته‌های پژوهش:

جو کلاس: بین جو کلاس و انگیزش پیشرفت تحصیلی رابطه‌ی مثبت معنی‌داری وجود دارد. دانش‌آموزانی که ادراک مثبتی از روابط میان هم‌کلاسی‌ها، معلم با دانش‌آموزان دارند انگیزش پیشرفت تحصیلی بیشتری دارند. به‌ازاء یک واحد که به‌نمره جو کلاس دانش‌آموز اضافه شود ۰/۳۱۶ انگیزش پیشرفت تحصیلی افزایش خواهد یافت. در مجموع تغییرات در انگیزش پیشرفت تحصیلی را جو کلاس توضیح می‌دهد.

بنابراین می‌توان گفت یکی از عواملی که بر انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان راهنمایی شهر اصفهان تأثیر می‌گذارد، جو کلاس است. دانش‌آموزانی که ادراک مثبتی از روابط میان خود و

سایر دانش‌آموزان دارند و روابط خود با معلمان و روابط دانش‌آموزان با یکدیگر را مثبت ارزیابی می‌کنند، انگیزش پیشرفت تحصیلی بیشتری نسبت به دانش‌آموزانی دارند که این جو را مثبت ارزیابی نمی‌کنند.

یافته‌ی فوق با یافته‌ی ژاله رضایی (۱۳۷۶) و حجت انصاری (۱۳۷۴) و کوپر (۱۹۸۳) همخوان می‌باشد. البته ابزار این پژوهش‌ها مشابه نبوده است. ولی همه‌ی آن‌ها متغیر جو کلاس را اندازه‌گیری کرده است و علی‌رغم متفاوت بودن ابزار نتایج، تقریباً مشابه است.

یافته‌های فوق نظریه‌ی مایلر (۱۹۹۸) را مبنی بر این‌که کیفیت روابط در کلاس می‌تواند نگرش منفی را در دانش‌آموزان نسبت به یادگیری توسعه دهد، مورد تأیید قرار داده است. هم‌چنین یافته‌ها دیدگاه شناختی در مورد ادراک را مورد تأیید قرار می‌دهد. مطابق دیدگاه شناختی انسان ادراک خود را از محیط با توجه به ویژگی‌های مختلف محیط و اطرافش سازمان می‌دهد. خود در موقعیت‌های مختلف رفتاری متفاوت دارد که این امر ناشی از ویژگی‌های هر موقعیت و محیط خاص است. مدرسه و کلاس نیز به‌عنوان نهادی اجتماعی بخشی از یک جامعه خاص است که دارای جوی منحصر به فرد است و ویژگی‌های این جو بر انگیزش پیشرفت تأثیر می‌گذارد. تأثیر معنی‌دار جو کلاس بر پیشرفت تحصیلی، ما را به‌نظر هوگ و همکاران نزدیک می‌کند. از نظر آنان ویژگی‌های عینی کلاس اهمیت چندانی ندارد، بلکه ادراک مناسب دانش‌آموز از کلاس درس انگیزش پیشرفت تحصیلی را افزایش می‌دهد (حسینی‌نسب، پیکانی منبع، ۱۳۷۷، ص ۵۸). هم‌چنین نظر اسپالدینگ در مورد تأثیر جو مطلوب کلاس بر انگیزش پیشرفت مورد تأیید قرار گرفته است. از نظر وی در جو مطلوب کلاس، معلم رابطه‌ای دوستانه و حمایت‌کننده با دانش‌آموزان دارد، معلم از تنبیه شدید و مکرر پرهیز می‌کند و دانش‌آموزان نیز به معلم علاقه دارند و او را به‌عنوان فردی بالغ و قابل اعتماد می‌دانند.

نتایج این تحقیق با پژوهش حجت انصاری (۱۳۷۴) با عنوان

تأثیر جو روانی، اجتماعی کلاس بر پیشرفت تحصیلی همخوان است. هم‌چنین نتایج با آن‌چه ژاله رضایی (۱۳۷۶) در پژوهشی با عنوان بررسی شیوه‌های مختلف تعامل بین دانش‌آموز و معلم و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی به‌دست آورد، همخوان است.

لازم به‌ذکر است دو پژوهش اخیر رابطه‌ی جو کلاس را با پیشرفت تحصیلی بررسی کرده‌اند و به‌طور مستقیم رابطه جو کلاس و انگیزش پیشرفت تحصیلی را مورد مطالعه قرار نداده‌اند. از طرف دیگر ابزار اندازه‌گیری جو کلاس در دو پژوهش فوق با این تحقیق متفاوت است و از این رو با احتیاط باید نتایج را همخوان در نظر گرفت.

نتایج این پژوهش در مورد تأثیر جو کلاس بر انگیزش پیشرفت تحصیلی با نتایج پژوهش حسینی‌نسب (۱۳۷۷) که روی ۶۱۳ نفر از دانش‌آموزان سوم متوسطه شهر تبریز انجام شده همخوان است. یکی از فرضیه‌های تحقیق فوق عبارت بوده است از: «بین ادراک دانش‌آموزان از جو روان‌شناختی کلاس و انگیزش درونی آنها رابطه مثبت وجود دارد؟» ضریب همبستگی به‌دست آمده ۰/۶۵ و در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار بوده است (حسینی‌نسب، ۱۳۷۷، ص ۶۲). نتایج هم‌چنین با یافته‌های کاری و همکاران ۱۹۹۶ همخوان است. آنان دریافته بودند انگیزش درونی به‌وسیله درک فرد از محیط کنترل می‌شود. مطابق پژوهش آنان اگر دانش‌آموزی کلاس خود را تکلیف‌مدار درک نماید، احساس شایستگی و انگیزش درونی بیشتری خواهد داشت (حسینی‌نسب، ۱۳۷۷، ص ۶۰).

سبک رهبری مدیر: بین سبک رهبری مدیر و انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان راهنمایی شهر اصفهان رابطه‌ی معنی‌دار وجود دارد. به‌ازاء یک واحد که به‌نمره سبک رهبری اضافه می‌شود ۰/۱۷۶ تغییر در انگیزش پیشرفت تحصیلی ایجاد می‌شود. مدیران رابطه‌گرا در مدارس راهنمایی شهر اصفهان موجب انگیزش پیشرفت تحصیلی بیشتری بوده‌اند. این مدیران به‌بدترین همکار خود نمره‌ی بالاتری نسبت به مدیران وظیفه‌گرا داده بودند و این نشان می‌دهد که مدیران رابطه‌گرا به‌طور کامل تحت تأثیر انجام کار اداری قرار نگرفته‌اند. به‌نظر یک مدیر رابطه‌گرا یک همکار

می‌تواند در ارتباط با انجام کار اداری تنبل، غیر اثربخش و بدون مهارت باشد. لیکن دلپذیر، رفیقی شفیق و مهربان باشد.

شخصی که نمره کمی به‌بدترین همکار خود می‌دهد، همکار خود را طرد کرده است و همه‌ی ویژگی‌های او را منفی به‌حساب می‌آورد. به‌عبارت دیگر انجام کار یا وظیفه‌ی اداری و رسیدن به‌هدف آن‌قدر برایش اهمیت دارد که در پرتو آن هر کس را که مانعی در این راه ایجاد کند، مطرود و بی‌ارزش می‌داند. (خلیلی شورینی، ۱۳۷۳، ص ۱۴۱).

شاید به‌نظر برسد با توجه به‌یافته‌های فوق بتوان گفت با دوره‌های آموزشی بهتر است سبک رهبری را تغییر دهیم. برخی از صاحب‌نظران تغییر سبک رهبری را بسیار دشوار و غیر اقتصادی می‌دانند. فیدلر معتقد است بدون شک تعدیل شخصیت و ساختار انگیزش امکان‌پذیر است، لیکن هزینه چنین کاری بسیار هنگفت و احتمال موفقیت آن اندک می‌باشد. این برنامه‌ی آموزشی بیشتر شبیه روان‌درمانی است.

تغییر شخصیت فرد برای این‌که با نیازهای یک سمت سرپرستی ویژه هماهنگ شود، در این زمان مناسب و عملی نیست. این صعوبت و غیر عملی بودن از آن‌جا ناشی می‌شود که سبک رهبری بخشی از شخصیت فرد است. بنابراین دست کم به‌یک، دو یا سه سال روان‌درمانی عمیق و فراگیر لازم است تا بتوان تغییر ماندگاری در ساختار شخصیت پدید آورد. به‌جز موارد معدودی، طی چند ساعت سخنرانی، یا ایفای نقش یا حتی برنامه‌های آموزشی تفصیلی‌تر یک یا دو هفته‌ای، مشکل بتوان ارزش‌های اساسی فردی را تغییر داد (خلیلی شورینی، ۱۳۷۳، ص ۱۵۲).

در مجموع یافته‌های این پژوهش با یافته‌های خلیلی شورینی (۱۳۷۳) همخوان است. هم‌چنین یافته‌ها مؤید نظریه‌ی فیدلر در خصوص تفاوت سه سبک رهبری است. بنابراین می‌توان گفت هم نظریه و هم ابزار ساخته شده قابل اعتماد است. در مجموع ۳٪ از تغییرات در انگیزش پیشرفت تحصیلی را سبک رهبری مدیران توضیح می‌دهد. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های عظیمی، رمضانی، (۱۳۷۶) در مورد رابطه‌ی سبک مدیریت و عوامل

انگیزشی همخوان است. جامعه‌ی آماری پژوهش فوق مدیران و معلمان مدارس پسرانه ابتدایی و راهنمایی مناطق نوزده‌گانه شهر تهران بوده است.

در پژوهش فوق این فرضیه که مدیران رابطه‌مدار به‌عوامل انگیزشی توجه بیشتری دارند، تأیید شده است (عظیمی، رمضانی، ۱۳۷۶ چکیده).

طبقه اجتماعی: بین طبقه‌ی اجتماعی دانش‌آموزان مدارس راهنمایی شهر اصفهان و انگیزش پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد. این رابطه در سطح ۰/۰۴۱ معنی‌دار است. به‌ازاء یک واحد که به طبقه اجتماعی دانش‌آموزان اضافه می‌شود ۰/۱۳۱ به‌انگیزش پیشرفت تحصیلی افزوده می‌شود. در مجموع ۰/۰۱۷ از تغییرات انگیزش پیشرفت را طبقه اجتماعی دانش‌آموزان توضیح می‌دهد. با توجه به‌یافته فوق می‌توان گفت گامی در جهت تأیید دیدگاه برنشتاین برداشته شده است. از دیدگاه برنشتاین مکانیسم تأثیر طبقه‌ی اجتماعی بر پیشرفت تحصیلی بدین گونه است که در طبقات پایین الگوی کلامی محدود راجع است و همین امر باعث می‌شود تا دانش‌آموزان این طبقه مدرسه را به‌عنوان محیطی بسیار متفاوت با خانواده که به آن عادت نکرده‌اند در نظر بگیرند. یافته این تحقیق در زمینه تأثیر طبقه اجتماعی که توسط چلبی (۱۳۷۵، ص ۲۰۳) ارائه شده است همخوان است.

یافته‌ها هم‌چنین با نظر گیدنز در مورد تأثیر طبقه‌ی اجتماعی بر حوزه‌های مختلف زندگی افراد مطابقت دارد. بنابراین می‌توان گفت بخشی از عوامل تأثیرگذار بر انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان خارج از نظام آموزش و پرورش و اختیار مدیران و معلمان است و به‌ساخت طبقاتی جامعه مربوط می‌شود. تغییر این متغیر تأثیرگذار بر انگیزش پیشرفت تحصیلی نیازمند اصلاح ساختار طبقاتی، افزایش طبقه متوسط و به‌طور کلی توسعه اقتصادی، اجتماعی جامعه است. پژوهش‌های متعددی نشان می‌دهد که طبقه‌ی اجتماعی بر پیشرفت تحصیلی تأثیر معنی‌داری دارد. (یعقوب‌خانی، ۱۳۷۲، فتحی‌نورانی، ۱۳۷۲، دهقان، ۱۳۷۲، گیدنز ۱۹۸۹) ولی چون پژوهش‌های مذکور رابطه‌ی طبقه‌ی

اجتماعی با پیشرفت تحصیلی را بررسی کرده‌اند و به‌طور مستقیم تأثیر آن را بر انگیزش پیشرفت تحصیلی مطالعه نکرده‌اند، بنابراین با احتیاط می‌توان نتایج را همخوان در نظر گرفت.

دیگری مهم: بین انگیزش پیشرفت تحصیلی و دیگری مهم دانش‌آموزان رهنمایی شهر اصفهان رابطه‌ای وجود ندارد. عدم ارتباط آماری بین نوع دیگری مهم دانش‌آموزان و انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان نکات قابل تأملی را در مورد شخصیت‌های محبوب آنان مشخص می‌کند. در واقع یافته‌ی فوق را می‌توان چنین تفسیر کرد که نوع شخصیت‌های محبوب آنان در دانش‌آموزانی که انگیزش پیشرفت تحصیلی بالا و پایین دارند، به‌عبارت دیگر الگوی گرایش دانش‌آموزان به شخصیت‌های علمی، ورزشی، هنری و ... تقریباً مشابه است.

به‌عبارت دیگر نمی‌توان گفت شخصیت‌های ورزشی و یا هنری و ... برای دانش‌آموزانی با انگیزش پیشرفت تحصیلی کم و شخصیت‌های علمی برای دانش‌آموزان با انگیزش پیشرفت تحصیلی بالا مهم هستند.

به‌نظر می‌رسد شرایط اجتماعی ایران در شرایط حاضر به‌گونه‌ای است که شخصیت‌هایی را برای همه تقریباً به‌صورت یکسان مهم معرفی کرده است و از این جهت بین دانش‌آموزان چه با انگیزش پیشرفت زیاد و چه با انگیزش پیشرفت تحصیلی کم تفاوتی وجود ندارد.

نتایج این پژوهش با نتایج طالبی (۱۳۷۳) همخوان نیست. در پژوهش مذکور به‌فاصله‌ی نسل جدید و قدیم از نظر افراد مهم اشاره شده است. اما به‌پژوهشی که الگوی نسل قدیم (پدر و مادر و پدر بزرگ و مادر بزرگ) را نشان دهد، اشاره‌ای نشده است. هم‌چنین در پژوهش طالبی (۱۳۷۳) به‌از خود بیگانگی دانش‌آموزان اشاره شده است. در حالی که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شخصیت‌های علمی هنوز در میان دانش‌آموزان رهنمایی رتبه‌ی اول را دارند. البته با توجه به‌این که ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش‌ها با هم متفاوت است (به‌خصوص در این پژوهش که بر خلاف معمول برای اندازه‌گیری دیگری مهم از پرسشنامه

استفاده نشده است)، در هم‌خوان یا ناهم‌خوان خواندن نتایج احتیاط و خطا را نباید از نظر دور داشت.

از طرف دیگر جامعه‌ی آماری این پژوهش دانش‌آموزان رهنمایی هستند و نمی‌توان آن را حتی با دانش‌آموزان اول متوسطه مقایسه کرد. به‌نظر می‌رسد با افزایش سن و تغییر گروه‌های عضویت افراد و آشنایی بیشتر با وسایل ارتباط جمعی در دیگری مهم افراد نیز تغییر حاصل شود.

با توجه به‌این‌که خصوصیات اخلاقی مانند، خوش اخلاقی، جوانمردی از مهم‌ترین دلایل انتخاب دیگری مهم از سوی دانش‌آموزان ذکر شده است، می‌توان گفت مزایای اجتماعی مانند قدرت، ثروت و شهرت و منزلت برای دانش‌آموزان رهنمایی هنوز آن قدر اهمیت نیافته که بر خورنداری از مزایای فوق را به‌عنوان دلیل انتخاب خود بیان کنند.

ارزش‌ها: در این پژوهش رابطه‌ی انگیزش پیشرفت تحصیلی با ارزش‌ها در چهار بعد علمی، خانوادگی، مالی و حرفه‌ای بررسی شد.

۱ - بین انگیزش پیشرفت تحصیلی با بعد علمی ارزش‌های دانش‌آموزان رهنمایی رابطه وجود دارد. این رابطه در سطح $0/000$ معنی‌دار است و با اطمینان می‌توان گفت این رابطه اتفاقی نبوده است.

با اضافه شدن یک واحد به‌نمره بعد علمی ارزش‌ها $0/409$ افزایش در انگیزش پیشرفت تحصیلی مشاهده شده است. در مجموع $0/167$ از مجموع تغییرات در انگیزش پیشرفت تحصیلی را بعد علمی ارزش‌ها توضیح می‌دهد.

۲ - بین انگیزش پیشرفت تحصیلی با بعد خانوادگی ارزش‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد. دانش‌آموزانی که احساس تعلق بیشتری به‌خانواده خود می‌کردند و از تفریح و مسافرت با خانواده لذت می‌بردند، برای این دانش‌آموزان خشنودی والدین اهمیت زیادتری داشته است.

این رابطه در سطح بیش از $0/000$ معنی‌دار است و با اطمینان می‌توان گفت این رابطه اتفاقی نبوده است. به‌عنوان یک واحد که

به‌نمره‌ی بعد خانوادگی ارزش‌ها افزوده شده ۰/۳۵ بهبودی در انگیزش پیشرفت تحصیلی مشاهده شده است و در مجموع ۰/۱۲۳ از تغییرات در انگیزش پیشرفت تحصیلی را بعد خانوادگی ارزش‌ها توضیح می‌دهد.

۳ - بین انگیزش پیشرفت تحصیلی با بعد مالی ارزش‌ها رابطه وجود داشته است. این رابطه در سطح ۳۹٪ معنی‌دار بود و به‌ازاء یک واحد تغییر در بعد مالی ارزش‌ها ۱۳۶٪ تغییر در انگیزش پیشرفت تحصیلی ایجاد شده است. ۲٪ از تغییرات در انگیزش پیشرفت تحصیلی را بعد مالی ارزش‌ها توضیح می‌دهد. به‌عبارت دیگر دانش‌آموزانی که انگیزش پیشرفت زیادتری داشته‌اند، در پاسخ‌های مربوط به‌بعد مالی ارزش‌ها تمایل خود را برای تصاحب اشیاء و وسایل مادی زندگی بیشتر ابراز داشته‌اند و احتمالاً برای دستیابی به‌این آرزوهای مادی تمایل بیشتری به‌تحصیل و موفقیت در این زمینه نشان داده‌اند.

۴ - بین بعد حرفه‌ای ارزش‌ها و انگیزش پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد. به‌ازاء یک واحد که به‌نمره بعد حرفه‌ای ارزش‌ها اضافه می‌شود ۳۹۸٪ تغییر در انگیزش پیشرفت تحصیلی ایجاد خواهد شد. ۱۵۸٪ از تغییرات در انگیزش پیشرفت تحصیلی را بعد حرفه‌ای ارزش‌ها توضیح می‌دهد. دانش‌آموزانی که تمایل خود را برای دستیابی به‌شغلی با آینده مطمئن و راحت و وظایف متنوع و شاد و مسائلی از این دست ابراز داشته‌اند، احتمالاً ارزشمندی شرایط حرفه‌ای فوق برای برخی دانش‌آموزان باعث شده است تا جهت دستیابی به‌شغلی مطلوب انگیزش بیشتری در تحصیل نشان دهند.

تحقیقاتی که در زمینه‌ی ارزش‌های اجتماعی مطالعه شد هیچ‌کدام دقیقاً مطابق با موضوع این پژوهش نبود و پژوهشی که دقیقاً رابطه‌ی ارزش‌ها با انگیزش پیشرفت تحصیلی را مطالعه کرده باشد، یافت نشد با این حال یک مطالعه‌ی کلاسیک در مورد تأثیر مذهب پروتستان بر گسترش سرمایه‌داری توسط ماکس وبر انجام شده است که نشان می‌دهد باورهای جدید در مورد تحصیل، سرمایه‌گذاری و رفاه در میان مسیحیان زمینه‌ی ایجاد سرمایه‌داری

را در اروپا فراهم کرد. یافته‌های این پژوهش با دیدگاه ماکس وبر هماهنگ به‌نظر می‌رسد.

پژوهش انجام شده به‌وسیله تیموری (۱۳۷۷) فاصله‌ی ارزش‌های پدران و پسران را در شش بعد علمی، اقتصادی، هنری، اجتماعی، سیاسی، مذهبی مطالعه کرده است. یافته‌های تحقیق فوق نشان می‌دهد که پدران و پسران در هر شش بعد فوق تفاوت معنی‌داری باهم دارند. به‌نظر می‌رسد برای پذیرش نتایج پژوهش تیموری (۱۳۷۷) نباید عجله کرد، اگر واقعاً چنین شکافی بین ارزش‌های پدران و پسران وجود داشته باشد که در همه‌ی ارزش‌ها فوق دارای تفاوت معنی‌دار باشند، احتمالاً هیچ زبان مشترکی با هم ندارند. پژوهش تیموری در واقع تأیید نظریه‌ی شکاف عمیق بوده است که به‌گفته‌ی خود پژوهشگر از نقاط ضعف این نظریه فقدان مبانی تئوریک برای بیان چرایی و مکانیسم شکاف بین پدران و پسران است.

پیش‌نهادهای عملی جهت کاربست یافته‌ها:

۱ - با توجه به‌تأثیر زیاد جو کلاس بر انگیزش پیشرفت تحصیلی پیش‌نهاد می‌شود در دوره‌های ضمن خدمت فرهنگیان راه‌کارهای ایجاد جو مطلوب در کلاس به‌معلمان آموزش داده شود.

۲ - هم‌چنین می‌توان راه‌کارهای ایجاد جو مطلوب در کلاس درس را به‌عنوان موضوع یک همایش اعلام نموده و هم متخصصان به‌ارائه شیوه‌های علمی ایجاد جو مطلوب در کلاس بپردازند و هم دبیران تجربیات عملی خود را در این زمینه به‌دیگران ارائه کنند.

۳ - با توجه به‌این‌که موارد مورد تأکید در بازدید سرگروه‌های آموزشی می‌تواند به‌فرآیند تدریس و اداره کلاس جهت دهد، پیش‌نهاد می‌شود در بازدیدها یکی از نکات مورد ارزیابی جو کلاس باشد. برای ارزیابی جو کلاس نیز می‌توان از ابزار این پژوهش استفاده نمود.

۴ - با توجه به‌این‌که سبک رهبری نیز در انگیزش پیشرفت تحصیلی تأثیر معنی‌داری داشته است و همان‌طور که در بحث و بررسی یافته‌ها توضیح داده شد، تغییر در سبک رهبری

۴ - ساخت و اعتباریابی ابزاری برای سنجش دیگری مهم
دانش‌آموزان.

۵ - بررسی راه‌کارهای تقویت ارزش‌ها دو بعد علمی حرفه‌ای
در دانش‌آموزان.

منابع:

تیموری، کاوه (۱۳۷۷) بررسی ارزش‌های پدران و پسران و بروز شکاف در
میان نسل‌ها، فصل‌نامه‌ی فرهنگ عمومی، پاییز و زمستان، شماره
شانزده و هفده.

چلبی، مسعود (۱۳۷۵) جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشر نی
حجت انصاری، محمد (۱۳۷۴) بررسی تأثیر جو روانی اجتماعی کلاس بر
پیشرفت تحصیلی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روان‌شناسی،
راهنما، محمود منصور، تهران: دانشگاه تهران
حسینی نسب، داود، پیکانی منبع، فرزانه (۱۳۷۷) ادراک دانش‌آموزان از
محیط روان‌شناختی کلاس و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی، انگیزش
درونی و اضطراب آنان، مجله تربیتی روان‌شناسی، دوره سوم، سال
پنجم شماره ۳ و ۴

ذوالفقاری، ابوالفضل (۱۳۷۱) رابطه پایگاه اجتماعی با پیشرفت تحصیلی،
رشد علوم اجتماعی سال چهارم، پاییز و زمستان شماره ۱۴ و ۱۳
ژاله رضایی، علی (۱۳۷۶) بررسی شیوه‌های مختلف تعامل بین دانش‌آموز
و معلم و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی سال سوم راهنمایی استان
آذربایجان غربی، ناظر، محمدرضا رضایی، تبریز: اداره کل آموزش و
پرورش استان آذربایجان غربی، شورای تحقیقات.

شاهسونی، سودابه (۱۳۷۹) بررسی علل کاهش انگیزه به تحصیل در
دانش‌آموزان دوره متوسطه نظری شهر اصفهان، ناظر علی عطا،
شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان
طالبی، ابوتراب (۱۳۷۳) بیگانگی اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد،
رشته جامعه‌شناسی، رهنما، مسعود چلبی، دانشگاه تربیت مدرس.

طلایی، حسن (۱۳۷۲) پیشرفت تحصیلی، آرزوی شغلی و ارزش‌های
اجتماعی در میان قشرهای دانش‌آموزان دوره متوسطه خرم‌آباد، رشد
آموزش علوم اجتماعی، سال چهارم

عابدی، احمد (۱۳۸۰) بررسی رابطه بین انگیزش پیشرفت تحصیلی
دانش‌آموزان دختر و پسر دوره راهنمایی متوسطه شهر اصفهان با
ویژگی‌های خانوادگی و شخصیتی آنان، ناظر، حمیدرضا عریضی،
اصفهان: سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان، شورای تحقیقات
فخرایی، سیروس (۱۳۷۶) نقش عوامل محیطی و اجتماعی در انگیزه‌های
تحصیلی دانش‌آموزان، تربیت شماره اول، مهر ماه، سال سیزدهم
مزروقی، رحمت‌الله (۱۳۷۶) پیشرفت‌های تحصیلی و باورهای
معرفت‌شناختی، تربیت، شماره اول، مهرماه، سال سیزدهم

موسوی، سید علی (نامشخص) رابطه خشنودی شغلی و انگیزش پیشرفت
با سلامت روانی و مسئولیت‌پذیری مربیان مرد آموزشگاه‌های اهواز،
راهنما حسین شکرکن، شورای تحقیقات، اهواز: اداره کل آموزش و
پرورش خوزستان

به شخصیت افراد بستگی دارد و لازمه‌ی تغییر سبک رهبری، تغییر
شخصیت فرد است، بنابراین پیش‌نهاد می‌شود هنگام انتخاب
مدیران ویژگی‌های شخصی آنان مورد بررسی قرار گیرد و مدیران
رابطه‌گرا انتخاب شوند. برای انتخاب این گونه مدیران نیز می‌توان
از ابزار این پژوهش در زمینه‌ی سبک رهبری استفاده کرد.

۵ - با توجه به تأثیر معنی‌دار ارزش‌ها بر انگیزش پیشرفت
تحصیلی پیش‌نهاد می‌شود در کلاس‌های پرورشی و
فعالیت‌های فوق برنامه از طریق فیلم‌های آموزشی،
تئاتر و موسیقی و شعر بر باورهای تأکید شود که
انگیزش پیشرفت را تقویت می‌کند به گونه‌ای که باور
به پیشرفت در ابعاد علمی، خانوادگی، مالی و حرفه‌ای مورد
تأکید قرار گیرد.

پیشنهاد موضوع‌های پژوهشی:

۱ - پیش‌نهاد می‌شود تأثیر چند روش برای تغییر جو کلاس
به صورت یک تحقیق آزمایشی انجام گیرد. موضوع این پژوهش
می‌تواند عبارت باشد از: بررسی راه‌کارهای ایجاد و توسعه جو
مطلوب در کلاس درس.

۲ - بررسی رابطه‌ی مهارت‌های ارتباطی در میان معلمان و جو
کلاس آنان.

۳ - بررسی رابطه‌ی وفاق بر سر ارزش‌ها در ابعاد مختلف در
میان دانش‌آموزان با انگیزش پیشرفت تحصیلی.

همان‌گونه که در توصیف داده‌ها نشان داده شد در برخی از
ارزش‌ها بین دانش‌آموزان وفاق بیشتری وجود دارد که خود تابعی
از وفاق اجتماعی بر سر این ارزش‌ها است. مثلاً در مورد این‌که
درس می‌خوانم تا پدر و مادرم را خوشنود سازم وفاق زیادی وجود
دارد. ولی در برخی از آن‌ها مانند این‌که توجه دیگران
به پیشرفت‌های من برایم اهمیت دارد مانند مورد قبل وفاق وجود
ندارد. در واقع در مورد برخی از ارزش‌ها جامعه به طور روشن
موضع خود را مشخص نکرده است و این زمینه‌ی آشفتنگی را در
موضع‌گیری‌های دانش‌آموزان در این زمینه فراهم کرده است.